

بازشناسی عناصر هویت‌بخش شیعی در شعر جاسم الصحيح، شاعر معاصر عربستانی

طاهره حیدری^۱

چکیده

شعر شیعه به عنوان گونه‌ای مهم از ادب دینی و با ویژگی‌های منحصر به خود نقشی حائز اهمیت را در گفتمان‌پردازی شیعه در تمام ادوار تاریخی داشته است. عناصر هویت‌بخش ادب شیعی، شاعران شیعی را صرف‌نظر از جنسیت، تبار، زبان و قومیتشان، از طریق باورها، عواطف، نمادها و مناسک مذهبی مشترک به هم پیوند می‌زند و از آن‌ها یک جامعه شیعی می‌سازد. شاعران شیعه، شعر را رسانه‌ای بلیغ برای ترسیخ و نشر مؤلفه‌های مذهبی خود قرار داده‌اند تا سلاحی برای مبارزه با انحرافات، ظلم و تعبد بوده و یادآور مبدأ ظلم‌ستیز و حرکت‌زای تشیع باشد. جاسم الصحيح شاعر عربستانی و شیعی اهل احساء نیز در شعر خود به مؤلفه‌های هویت‌بخش شیعی، پرداخته و در میان مسلمانان اهل سنت بر عقاید شیعی خویش، پابرجا مانده و منقبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اهل بیت: را یکی از مقوله‌های اصلی شعر خود قرار داده است. هدف جستار حاضر بررسی چگونگی به‌کارگیری و پردازش این مؤلفه‌ها با روشی تحلیلی-توصیفی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قالب‌های زبانی شاعر سرشار از عاطفه‌ی صادق، می‌باشد و به‌طور کامل و دقیق، هدفمند و برنامه‌ریزی شده ایدئولوژی وی را البته غیر مستقیم و بسیار گیرا منتقل می‌کند و تربیت ذوق و معرفت مخاطب را به همراه دارد.

واژگان کلیدی: عربستان، شعر معاصر عربی، شعر شیعی، عناصر هویت‌بخش، جاسم الصحيح.

۱- استادیارگروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی t_heydari@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹

مقدمه

شعر به عنوان اصلی‌ترین پیونددهنده‌های حوزه‌های ایدئولوژیک با گستره‌های عمومی (توده مردم)، مانند یک رسانه اجتماعی عمل می‌کند و به فرد آزادی تام می‌دهد تا افکار و عقایدش را در قالب آن بریزد و به همگان عرضه کند و برای بیان اندیشه و عقیده، عنصری نیرومند و کارآمد به شمار می‌رود. این رسانه هدفمند به رسول خدا صلی الله علیه برای نشر تعالیم اسلامی و جذب افراد برای ورود به دین اسلام نیز یاری رساند، به طوری که با ظهور اسلام و برانگیخته شدن رسول اکرم صلی الله علیه به عنوان پیام‌آور وحی جمعی از شاعران به دین اسلام گرویدند و شعر خود را برای تبلیغ اسلام و بیان فضیلت‌هایش به خدمت گرفتند. در آن دوران، پیوندی بین دین و شعر به عنوان هنر رایج به وجود آمد «پیوندی که نتیجه اشتراک آن‌ها در هدف و نزدیکی شان در وسیله، با وجود اختلاف در شکل و هم‌خوانی در محتوا بود» (کیلانی، ۱۳۷۶: ۱۳). همین ارتباط موجب پیدایش گونه ادب دینی در ادبیات عربی گردید. ادب دینی چنانچه گفته شد گونه‌ای بود که به مضامین دینی، اخلاقی و تربیتی مبتنی بر تعالیم اسلام و نبی اکرم صلی الله علیه پرداخت. در این میان ادب شیعه با گفتمان منحصر به فرد و مبتنی بر عقلانیت و اندیشه نبوی - علوی، از مهم‌ترین گونه‌های ادبیات دینی به شمار می‌رود. در واقع ادبی که شیعیان برای ارآیه گفتمان دینی و عقیدتی خود برگزیده‌اند، مجموعه‌ای از مضامین متعالی را به ادبیات عرب بخشید، مضامینی که به خاطر تلفیق با صدق عاطفه و حرارت، هر مخاطبی را به همراهی و می‌دارد. احمد امین در این باب می‌گوید: «ادب شیعه، ادبیات عرب را غنی و پربار کرد و ادبیاتی که از آن برخاست قوی بود، علت آن نیز موقعیت شیعه بود که به صورت طبیعی موجب شعله‌ور شدن عاطفه و تحریک آن می‌گردید، عاطفه‌ای که از بهترین پشتوانه‌های ادب شمرده می‌شود. شیعه نیز از دوگونه عاطفه قوی برخوردار بود؛ خشم و حزن» (امین، ۱۹۷۸: ۳۰۱).

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که در اشعار دینی به رشته تحریر در آمده است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف - مقالات

۱- دکتر محمدعلی آذرشب در مقاله «بررسی و تحلیل برخی عقاید شیعه در همزیه ابن هانی اندلسی»، نشریه ادبیات شیعه، ۱۳۹۲، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۰-۷۰، براین نکته تاکید می‌نماید که ابن هانی فاطمیان را ادامه دهنده راه ائمه: می‌داند و ضمن بیان حقانیت آن‌ها و بطلان دعاوی عباسیان و امویان مظلومیت امامان شیعه: را به تصویر می‌کشد.

- ۲- سیدفضل‌الله میرقادری در مقاله «جایگاه دستتانی و قصیده ملحمه‌الطف در شعر عاشورا» در مجله ادبیات شیعه، ۱۳۹۲، شماره ۱، صص ۱۰۰-۱۲۰، نویسنده علاوه بر معرفی دستتانی که بعنوان یک شاعر شیعی ناشناخته مانده است به درون‌مایه‌های ارزشی این قصیده، از جمله رثاء، مودت اهل بیت، شجاعت و سفارش به صبر اشاره می‌کند.
- ۳- طیبه سیفی در مقاله «بررسی و تحلیل درون‌مایه‌های شیعی در اشعار معروف عبدالمجید»، در مجله ادبیات شیعه، ۱۳۹۲، شماره ۲، صص ۶۰-۸۵، به معرفی این شاعر مصری تبار معاصر پرداخته و معانی متین شعر وی را بررسی کرده است.
- ۴- پیمان صالحی و مهدی اکبرنژاد در مقاله «آداب و اهداف سوگواری معصومین: برسیدالشهدا»، ادب بوستان، ۱۳۹۵، سال اول، شماره ۲، صص ۷-۳۶ مهم‌ترین اهداف امامان معصوم: از سوگواری بر سالار شهیدان را حفظ دستاوردهای نهضت عاشورا و آگاه شدن مردم از حقیقت دین حنیف، اشاره نموده و هم‌چنین ذکر کرده‌اند افزون بر این‌ها اجر و پاداشی را که خداوند برای عزاداران حسینی در نظر گرفته، در روایت‌های متعدد، از جمله پیوند با امام حسین ۷، محشورشدن با ایشان، آمرزش گناهان، رهایی از هول و هراس روز قیامت و... بیان شده است.
- ۵- معصومه صمدی در مقاله «مهدودیت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی»، مجله مصباح، ۱۳۸۵، شماره ۶۶، صص ۴۷-۷۴. لازمه موفقیت نظام تعلیم و تربیت در تبیین و ترویج موضوع مهدویت را بازنگری در حوزه محتوایی، روشی و ترویجی دانسته‌اند.
- ۶- حشمت قیصری در مقاله «بررسی عرفان عاشورایی در اندیشه مولانا و عمان سامانی»، فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی، ۱۳۹۱، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۰۷-۱۳۶، اثرگذاری جلوه‌های عرفانی قیام عاشورا را در اندیشه و شعر این دو شاعر بررسی کرده است.
- ۷- علی حسین کشاورزی و محمدرضایکتابی در مقاله «هماندسازی حسینی و همانندسازی سازمانی»، مجله چشم انداز مدیریت دولتی، ۱۳۹۲، شماره ۱۶، صص ۱۶۱-۱۷۸، شیوه‌های اجرایی کردن آموزه‌های عاشورایی و قیام حسینی را در راستای همانندسازی آن با مدیریت سازمانی بررسی نموده‌اند.
- ۸- عبدالعزیزحمادی و رسول بلاوی در مقاله «القرآن الکریم فی شعر جاسم الصحیح»، جامعه السلطان قابوس، مجله الآداب والعلوم الاجتماعیة، ۲۰۲۰، المجلد ۱۱، العدد ۲، صص ۴۹-۵۵. ضمن بیان مفهوم تناس، کاربرت انواع آن را در شعر الصحیح به تفصیل تبیین کرده‌اند.
- ۹- علی حسین محمد حسین در مقاله «التناس السیاسی فی شعر جاسم الصحیح»، جامعه کربلاء، کلیة التربية للعلوم الانسانیة، المجلد ۵، العدد ۱۷، صص ۱۲۱-۱۴۰، تحت دو عنوان اصلی: «الرموز و الشخصیات

السیاسية" و "التاريخ والاحداث السياسية"، به بیان چگونگی کاربست تناص سیاسی در شعر الصحیح پرداخته است.

۱۰- ندا العتیبی بدردر مقاله "المعنى الابداعی للشعر عند جاسم الصحیح"، مجله جامعة الملك عبدالعزيز، قسم الآداب والعلوم الانسانية، المجلد ۲۷، العدد ۴، صص ۱۲۱-۱۵۶، تحت دو عنوان اصلی الاصول: "المبادئ الماورائية" و "الوظائف (الوظائف البنائية و وظائف اجتماعية)"، به تبیین موضوع پرداخته است.

۱۱- سها صاحب القرشی و عبود جودی الحلی در مقاله "التناص الديني في شعر جاسم الصحیح تناص الاحداث و الشخصيات نموذجاً"، Al-Bahith Journal، ۲۰۱۷، المجلد ۱۵، العدد ۸، صص ۷-۲۷ که برگرفته از رساله دکترا با عنوان "التناص في شعر جاسم الصحیح" است به میزان و کیفیت حضور شخصیت‌ها و حوادث دینی در شعر جاسم الصحیح پرداخته اند.

ب- پایان نامه‌ها

۱- در حوزه شعر شیعی در الاحساء، آقای کریم ساکی در پایان نامه «بررسی شعر شاعران شیعه استان الأحساء عربستان در دوره معاصر»، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، به استان الاحساء عربستان و شیعیان آن جا از جنبه‌های مختلف پرداخته سپس ادبیات شیعه و پیشرفت آن و معرفی شاعران شیعی الأحساء و تحلیل اغراض شعری آن‌ها را بررسی است، اما در باب نمود مؤلفه‌های شیعی به عنوان عناصر هویت‌بخش در شعر جاسم الصحیح تاکنون تحقیقی انجام نگرفته است.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- مؤلفه‌های شیعی به کار گرفته شده در شعر جاسم الصحیح کدام هستند؟
- ۲- پردازش مضامین در شعر جاسم الصحیح درباره اهل بیت علیهم السلام چگونه است؟

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد پردازش مؤلفه‌های شیعی توسط شاعر، به دلیل همسو نبودن با عقاید منطقه سکونتش، با تقیه صورت پذیرفته است.
- ۲- احتمال می‌رود مضامینی هم چون واقعه غدیر خم، عاشوراء، با وضوح بیشتری در شعر شاعر نمود یافته باشد.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به جایگاه ادبیات شیعه به ویژه در عربستان و نقش تعیین کننده این نوع ادبی در شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های مردم در ظلم‌ستیزی، ضروری می‌نمود که پژوهشی مستقل در ارتباط با این نوع ادبی انجام پذیرد.

پژوهشی جامع و دقیق درباره مؤلفه‌های شیعی در شعر جاسم الصحيح عربستانی و ساکن استان احساء به عنوان یک شاعر متعهد شیعی اهمیت و ضرورت این پژوهش را آشکار و موجه می‌سازد.

۵-۱. روش پژوهش

این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد دست اول به ویژه دیوان شاعر معاصر عربستانی جاسم الصحيح انجام شده و اغلب با رویکرد تحقیق ادبی و تاریخی جمع‌آوری گردیده و با بازخوانی و بررسی دیوان و هم چنین پژوهش‌های موجود، داده‌های کیفی به صورت توصیفی و تحلیلی طبقه‌بندی و ارایه گشت.

۲. نگاهی کوتاه به زندگی و آثار جاسم الصحيح

جاسم محمد بن احمد الصحيح شاعر شیعه عربستانی در سال ۱۹۶۴ میلادی، در روستای جفر شهر احساء، در شرق عربستان، به دنیا آمد. ایشان در یک خانواده روستایی و کشاورز رشد و پرورش یافت. به دلیل نفت‌خیز بودن این استان در سن ۱۵ سالگی وارد شرکت آرامکو شد. از سوی شرکت، برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی مکانیک به آمریکا اعزام گشت و در همان جا به مطالعه شعر قدیم عربی پرداخت و توانست قریحه شاعری خود را سیراب سازد و به جوایزی متعدد در شعر عربی معاصر، از جمله جایزه بهترین دیوان شعر در سال ۱۴۳۴ق برای دیوان " ما وراء حنجره المغنی"، جایزه بهترین قصیده در جهان عرب از موسسه باطین در سال ۱۴۱۹ق به خاطر قصیده «عنترة فی الأسر» دست یافت. مهم ترین آثار جاسم الصحيح به تریب ذیل می‌توان برشمرد: أعشاش الملائكة (خميرة الغضب سابقاً) ۲۰۰۴ میلادی / حمائم تکنس العتمة ۱۹۹۹ میلادی / الأعمال الكاملة (سه جلدی). (قرشی، ۲۰۱۵: ۷۴)

۳. مؤلفه‌های هویت‌بخش شیعی در شعر

در میان مجموعه عناصر هویت‌بخش شیعی چهار عنصر مقوم و برسازنده یافت می‌شود که به مثابه چهار ستون، سقف هویت شیعی را استوار نگه می‌دارند. این عناصر بنیادین هویت‌بخش، چهار اصل تاریخی-اعتقادی به شمار می‌روند که هم موجب پیدایش تاریخی تشیع به عنوان یک هویت متمایز و مشخص شده و هم با انگیزه‌بخشی پدیدآورنده پویایی و دینامیسم تشیع و تداوم تاریخی آن و حفظ این هویت در مسیر گذشت سال‌ها و قرن‌ها بوده‌اند. در واقع، بخشی مهم از هویت شیعی که در بطن هویت اسلامی متولد شده و بالیده، از رهگذر نظام‌سازی اعتقادی حول این چهار اصل و نیز نمادسازی‌ها و آداب و مناسک برای هرکدام در جایگاه یک مناسبت تاریخی بوده است. این عناصر بنیادین که برسازنده نظام اعتقادی شیعی و هویت اجتماعی و تاریخی در نظر گرفته می‌شوند، از این قرار می‌باشند: غدیر (ولایت)، فاطمیه، عاشورا و در نهایت غیبت و مهدویت که در

این میان عنصر چهارم یا دست‌کم روایت و قرائت خاص از آن‌که فراگیرتر و شناخته شده‌تر است به طایفه امامیه یا همان شیعیان دوازده امامی تعلق و اختصاص دارد. (رضوی فقیه، ۱۴۰۱ق: www.irna.ir/news).

در اشعار جاسم‌الصحیح بعضی از این مؤلفه‌ها وجود دارد که به شعر او به عنوان یک شاعر شیعه و متعهد هویت بخشیده و شاعر با عاطفه صادق و حرارت مودت به پردازش هنری آن‌ها پرداخته است. شاعر موضوعاتی مهم از معتقدات شیعه، از جمله ولایت‌مداری، مهدویت و انتظار، الگوپذیری شیعیان و حماسه عاشورا را در شعر خود به تصویر می‌کشد. البته مسئله عاشورا در شعر جاسم‌الصحیح از اهمیتی ویژه برخوردار است و شاعر، به طور خاص و با نگاهی متفاوت، عمیق و هدفمند آن حادثه را تصویرپردازی کرده و حسین‌بن‌علی^۷ و قیامش را خاستگاه تغییر و خیزش در جهت تعالی و مبارزه با بردگی و ظلم می‌داند. در ادامه پژوهش به تحلیل و بررسی مؤلفه‌های شیعی مذکور در شعر جاسم‌الصحیح پرداخته می‌شود.

۳-۱. ولایت‌مداری

شیعه واقعی سراپا تسلیم فرمان امام خویش می‌باشد و هرگز اهل بیت: را رها نخواهد کرد، چنان‌چه امام صادق^۷ می‌فرماید: «كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَ هُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا»، "دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند شیعه ما است، ولی به ریسمان غیر ما چنگ زده است." (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۰۳)؛ چرا که رستگاری و سعادت ابدی جز در سایه پذیرش امامت امامان معصوم: میسر نیست.

فَلْيُشْهِدِ الْعِشْقُ أَنِّي الْمُسْتَمِيتُ عَلَيَّ	نَهَجٍ بِنَهْجِكَ - عِبْرَ الْجَمْرِ - مُتَّصِلُ
فَكَلَّمَا زَلَّ بِي خَطُّو صَحَوْتُ عَلَيَّ	يَمْنَاكَ مِنْ شُرُفَاتِ الْغَيْبِ تُومِي لِي
هِيَ الْمَوَائِيقُ فِيمَا بَيْنَنَا، نَشَأَتْ	عَلَى الْوَلَاءِ الَّذِي تَلَقَّاهُ مِنْ قَلْبِي

(صحیح، ۲۰۰۴: ۱۴۳)

«بگذار عشق شهادت دهد که من پیرو شما هستم و -نور اخگر- مرا به شما وصل می‌کند. هر بار قدمی برمی‌دارم دست تو از غیب به من اشاره و هدایت می‌کند. این عهد و پیمان بین ما، از محبتی که در قلب من است، نشأت می‌گیرد.»

شاعر نخست پایمردی و استواری خود را در مسیر اهل بیت: به ویژه امیرالمؤمنین^۷ مورد تأکید قرار می‌دهد سپس راه تصحیح خطاها و لغزش‌های احتمالی خود را امدادهای پیدا و پنهان حضرت به شمار می‌آورد، او علی‌رغم حضور در سرزمینی که مکتب اهل بیت: تحت فشار سیاسی و مذهبی است با مهارت و زیرکی ادبیات تقیه محور را به کار می‌برد و ولایت‌مداری خود را بیان می‌کند.

و باز در قطعه‌ای دیگر از دشواری مسیر ولایت‌مداری می‌گوید:

كَيْفَ الْمَسِيرُ... وِإِلَىٰ دَرْبِكَ عَاصِفٌ
 إِنَّ طَابَ فِيهِ لَكَ الرَّحِيلُ وَجُرُتَةٌ
 أَنَا لَا أَزَالُ عَلَىٰ خُطَاكَ وَإِنْ قَسَا
 أَمْضَىٰ عَلَىٰ نَهْجٍ رَسَمْتَ مَسَارَهُ
 يَا حَبْنَا دَرْبٌ يَطُولُ بِهِ الْأَدَىٰ
 وَعَوَاطِفٌ وَأَسِنَّةٌ وَنِيَالٌ!
 فَلَقَدْ تَنَاهَبَ عَزْمَىٰ التَّرْحَالُ
 زَمَنٌ بِهِ عَيْشُ الْكَرِيمِ نِكَالٌ
 وَالْعِشْقُ بَيْنَ أَضَالِي أَحْمَالُ
 وَخِتَامَةٌ بِكَ يَا عَلِيَّ وَصَالُ
 (همان، ۱۵۲)

«چگونه راه بیمایم در حالی که مسیر پر از طوفان و عاطفه هاو تیرها است؟ اما من به خاطر او قصد سفر دارم. هنوز در رکاب تو هستم حتی اگر در این زمانه زندگی سخت شده باشد. راهی را می‌پیمایم که تو ترسیم کرده‌ای و عشق را در سینه‌ام حمل می‌کنم. آه! ای علی! چه راه پر دردی است راهی که به تو ختم می‌شود».

شیعه در طول تاریخ به خاطر ولایت‌پذیری و مخالفت با قدرت حاکم، مورد ظلم از جانب دستگاه‌های حاکم واقع می‌شد ولی هرگز از مسیر ولایت‌بازنگشته و همواره سر سپرده و مطیع امر ولی خود بوده است. ادبیات و به ویژه شعر به ترسیخ‌گفتمان ولایت‌پذیر شیعیان به عنوان وجه بارز این مذهب، نقشی مهم را ایفا کرد. جاسم‌الصحیح در ابیات مذکور به عنوان یک شاعر شیعه و متعهد در جامعه ضد تشیع عربستان، با تراکیب و تعبیر ادبی سرشار از عاطفه صادق و سرسپردگی مجبانه به اهل بیت و امیرالمؤمنین علیهم‌السلام و به دور از هرگونه تعقید کلامی، به دشواری راه ولایت اشاره می‌کند و به عنوان یک شیعه مرارت آن را به جان می‌خرد؛ چرا که پایانش علی ابن ابی طالب^۷ است. جاسم‌الصحیح شعر خود را ابزاری برای بیان عقاید خود قرار داده و با زبان ادبی و به‌کارگیری صنایع بلاغی در رساندن ولایت‌مداری و انعکاس اندیشه خود به عنوان یک شیعه موفق عمل کرده است. چنان چه در قطعه زیر ولایت و راه امیرالمؤمنین^۷ را به قرآن تشبیه کرده است که شیعیان با آن بیعت می‌کنند و تا ابدیت پیرو آن خواهند بود:

فَرَبُّ دَرْبٍ يَتِيَهُ الْفَاتِحُونَ بِهِ
 مَا زَالَ نَهْجُكَ (قُرْآنًا) نُبَايَعُهُ
 فِي خُطْوَةٍ مِنْ خُطَاكَ الشُّمُّ يَخْتَصِرُ
 نَحْنُ الْحُرُوفَ ، إِلَىٰ أَنْ تُشْتَقَّ (السُّورُ)
 (همان، ۲۰۷)

«چه بسیار راه‌هایی که فاتحان بیهوده می‌پیمایند در حالی که فقط با یک گام در راه تو پیموده می‌شود. راه شما(قرآن) است. با آن تا همیشه بیعت می‌کنیم».

تبعیت از امام معصوم^۷ و پذیرش ولایت به منطوق و اندیشه انسانی هماهنگی می‌بخشد و آن را به سوی تعالی و کمال سوق می‌دهد و تفکر آن را بارور و درصد اشتباهش را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد. در ابیات زیر شاعر ولایت‌مداری حضرت ابو الفضل در روز عاشورا را به تصویر می‌کشد:

كَأَنَّكَ لَمْ تَحْمِلْ مِنَ الْمَاءِ قِرْبَةً
 وَلَكِنْ حَمَلْتَ النَّهْرَ مِنْ مُسْتَقَرِّهِ
 وَمَا عُدَّتْ تَزْهُوُ بِالْحَدِيدِ مَحْزَمًا
 وَلَمْ تَتَّعِيفْ زُنْدًا عَلَيْهَا وَمِعْصَمًا
 وَأَقْبَلْتِ فِي أَمْوَاجِهِ ثَائِرُ الدِّمَا
 وَلَكِنْ بِدُسْتُورِ الْوَفَاءِ مُحْزَمًا*
 (عبداللطیف، ۲۰۱۱: ۱۴۳)

«تو مشک آب را با شانه و میج دستت حمل نکردی، بلکه تمام رود را با خود آوردی و امواج آن خونخواه تو شد. سپر تو از جنس آهن نبود بلکه از جنس وفاداری بود».

جاسم الصحیح در ابیات فوق به صورت غیر مستقیم به ولایت‌پذیری جانانه ابوالفضل العباس اشاره می‌کند تا بر گفتمان ولایت‌محور تشیع تأکید کند که در حماسه عاشورا و رفتار عاشوراییان نمود یافته است. در چند بیت که تحلیل شد شاعر بر ولایت‌مداری و دفاع از ولایت توسط شیعه با هر سلاحی که در دست دارند، تأکید می‌نماید و مسئله وفاداری ابوالفضل به امام زمان خود در صحنه کربلا که جاسم الصحیح به آن اشاره کرده، شاهدی بی‌بدیل برای این ادعاست. شاعر با بهره‌جستن از آرایه‌هایی چون استعاره مکنیه در «حملت النهر»، به کلام خویش ارزش هنری بیش‌تر بخشیده است.

او در ابیات زیر خون امام حسین^۷ را جان‌بخش عقاید می‌داند، سپس تأکید می‌نماید که به عنوان یک شاعر متعهد شیعه در ولایت‌مداری کوتاهی نخواهد کرد و خود را به اندیشه‌ای تشبیه می‌کند که در پیروی از راه امام حسین^۷ به عنوان امام معصوم هرگز دچار انحراف نمی‌شود:

مِنْ فَيْضِ نَهْرِكَ فَاصْ نَهْرٌ مَبَادِي
 لَمْ يَخْرِفُونِي عَنْ مَحَطَاتِ الْفِدَى
 وَأَجْتَاخَ مَا زَعَمَ الطُّغَاةُ، وَأَزْجَفُوا
 فَأَنَا وَرَاءَكَ فِكْرَةٌ لَا تُخْرِفُ
 وَالِدَرْبُ يَجْمَعُ خَطُونَنا، وَيؤَلِّفُ
 (همان، ۲۰۹)

«نهر اصول و عقاید من از رود فیوضات تو پر و سرشار شده و ادعای طغیانگران را درهم کوبید. آن‌ها نتوانستند مرا از فداشدن باز دارند چون من فکری بدون انحراف دارم. من هم به دنبال غریبی تو غریب هستم و در این راه گام‌های ما به یک نقطه خواهد رسید (هدفمان واحد است)».

الصحیح شاعری زیرک است و انتخاب واژگانی موفقی دارد که برای بیان اندیشه حاکم بر شعر، مخاطب را دچار پیچیدگی محتوایی و ابهام نمی‌کند. ایشان حسین بن علی^۷ را مبدأ‌ساز می‌داند که با شهادت خود طاغوتیان را در هم کوبید و جهان بینی شیعی را جریانی نوین بخشید که مبتنی بر ارزش‌گذاری رفتاری برای دفاع از عقیده و اطاعت از امام است. شاعر با بهره‌گیری از استعاره مکنیه در «فیض نهرک» و «نهر مبادی»، در انتقال

چگونگی بهره‌مندی از فیوضات موفق عمل نموده و عنایت‌ها و توجهات امام^۷ را به رودی تشبیه کرده که جویبار وجود شاعر به وسیله آن پر شده و فیض برده است.

۳-۲. کربلا و نهضت حسین بن علی علیه السلام

کربلا و رخداد عظیم عاشورا از مهم‌ترین عناصر هویت‌بخش برای شیعیان به شمار می‌رود؛ چرا که برای آن‌ها گذشته‌ای سرخ و سرشار از ایثار ترسیم کرد که برای خیزش در برابر هر باطلی از آن مدد می‌گیرند. در واقع «لایه‌های پنهان این فاجعه، چنان است که ژرفای آن جز با علم شهودی دست یافتنی نیست؛ زیرا برعزیزترین آفریده‌های آفرینش سترگ‌ترین ستم تاریخ، به کار زده شده است» (ضیاء آبادی، ۱۳۸۱: ۲-۳) جاسم الصحیح به صورت زیر درباره کربلا اظهار نظر می‌کند:

هنا فی دمی بدأت کربلاء؛	و تَمَّتْ إِلَى آخِرِ الْمِضْرَعِ
هنا العبقریة تلقی العنان	وتَهْبِطُ مِنْ بُرْجِهَا الْأَرْفَعِ
هنا فی دمی نبتت کربلاء؛	وأشنانها الشَّمُّ لَمْ تُقْلَعِ

(صحیح، ۲۰۰۴: ۲۰۵)

«کربلا در خون من آغاز می‌شود و به پایان می‌رسد. نبوغ در خون من رها شده و از برج رفیع خود پایین می‌آید. کربلا در خون من ریشه دارد و بنیان آن هرگز نابود نمی‌شود».

ایات بالا و عبارت "هنا فی دمی بدأت کربلاء" مخاطب را با ایمانی عظیم به مبدأ علوی و نهضت حسینی مواجه می‌کند که ظرفیت‌های زبانی را به خدمت گرفته تا گفتمان حاکم بر ایدئولوژی شیعه را که مبتنی بر مبانی اعتقادی نظام‌مند است بیان کند. شاعران شیعه در سراسر جهان به موضوع گفتمان‌ساز کربلا و شهادت امام حسین^۷ پرداخته اند همان‌طور که الصحیح با سبکی حماسی، تصویری پر شور از ابدیت کربلا برای مخاطب خود ترسیم می‌کند. در عبارت «نبتت کربلا» با بهره جستن از استعارة مکنیه، معنای مورد نظر قوت گرفته و کربلا به بذر یا گیاهی تشبیه شده که ریشه‌اش در خون شاعر است و هرگز برچیده نخواهد شد.

شاعر تا آن جا که توانسته قوه زبانی و شاعرانگی خود را به خدمت گرفته تا ایدئولوژی حرکت‌زا و ظلم‌ستیز

شیعه را فراگیر و جهانی معرفی کند:

وَقَفَ إِلَهُ مُدَافِعاً عَنْ مَجْدِهِ	فِي (كربلاء) ك، وَالْأُلُوهُةَ مَوْقِفًا!
رِفْقاً بِحَيِّيةِ قَاتِلِكَ، وَرَأْفَةً	إِنْ قَطَعْتَكَ رِمَاخَهُمْ وَالْأَسِيفُ
هَذِي رُفَاتِكَ فِي الشُّعُوبِ تَوَزَعَتْ	فَأَضَاءَ مِنْكَ لِكُلِّ شَعْبٍ، (مُصَحَّفُ)
مُذْ صَاخَتْ الدُّنْيَا: (حُسْبِيينُ) وَلَمْ يَزَلْ	لَحْنُ إِنْسِجَامِ الْكُونِ بِاسْمِكَ يَعْزَفُ

« خداوند در کربلای تو از مجد و عظمت خود دفاع کرد و کربلا جای الوهیت پروردگار بود. اگر شمشیر و نیزه‌های دشمنان تو را تکه‌تکه کردند وای بر شکستی که خوردند، چرا که این خاک تو است که در میان ملت‌ها پخش شده و در میان آنها قرآن را منتشر کرده است. از زمانی که دنیا فریاد زد: **حسیبیین!** هستی اسم تو را می‌خواند.»

در عبارت «صاحت الدنيا»، استعارة مکنیه وجود دارد. دنیا مشبه است و تشبیه به انسانی شده که «صاحت» از لوازم او است و با توجه به تحلیل نمونه شعر ذکر شده، امام حسین ع و نهضت تاریخ‌سازش در وجدان بشریت پویاست. در واقع شاعر، شهادت حضرت و قیام ایشان را نقطه عطفی در تاریخ بشریت می‌داند که همه ملل از آن بهره جسته‌اند و بدون شک اگر طالب هدایت‌گری هستند، می‌تواند الهام‌بخش تغییر و تحولات اجتماعی عمیق و نیروساز در جوامع ایشان باشد. در این ابیات به ویژه در عبارت «مذ صاحت الدنيا حسیبیین»، رویکرد عاطفی غلبه داشته و عشق به امام ع چنان درون شاعر را تحت تأثیر قرار داده است که با خواندن ابیات، می‌توان حزن و اندوه را به طور کامل احساس کرد.

الصحيح حسين را پیوند معنابخش بین جهانیان معرفی می‌نماید و با این تعریف بر همگانی بودن نهضت امام حسین ع تأکید می‌کند و در ابیاتی سرشار از عاطفه صادق چنین می‌سراید:

و وَفَقَةَ لَكَ يَوْمَ (الطَّفِّ) شَامِحَةً بِالْعُنْفَانِ .. عَلَيْهَا الْعُنْفُ يَنْتَجِرُ
فَرَّ النَّهَارُ فَالْفَى الشَّمْسِ حَائِزَةً خَلَفَ الْعَجَاجِ .. كَأَنَّ الشَّمْسَ تُخْتَبِرُ!
مَا رَاعَهُ غَيْرَ أَنْ يَلْقَاكَ مُنْفَجِرًا شَمْسًا بِأَتْوَنِهَا الْأَجْيَالُ تَنْصَهْرُ

«تو در روز عاشورا چنان استوار بر نیزه ایستاده بودی که خشونت تحت‌تأثیر قرار گرفته و نزدیک بود خودکشی کند. آن روز سپری شد در حالی که خورشید را پشت گردو غبار، حیران دید، گویی خورشید تو را خورشیدی دیگر یافته بود که با درخشش نورهایش نسل‌ها را درمی‌نوردید.»

باتوجه به ابیات بالا تأکید شاعر بر حضور عزیز و شکوه حسین بن علی ع، به وضوح قابل لمس است و به شعر الصحيح به عنوان یک شاعر متعهد شیعه، نوآوری و ابداع بخشیده است. در واقع شاعر از زاویه‌ای به موضوع عاشورا و شهادت حضرت یارانش پرداخته که کمی متفاوتتر و تربیت‌محورتر از سایر شاعران است او با بهره‌گیری از آرایه تشبیه، امام حسین ع را به خورشیدی مانند کرده است که خورشید زمینی از دیدن او به شگفت آمده و نسل‌ها از پرتو او استفاده می‌کنند و نوربرمی‌گیرند. در عبارت «یلقاک شمساً»، کاف، مشبه و شمساً، مشبه‌به است.

۳-۳. فرهنگ عاشورایی

صحنه شورگستر عاشورا مهد ابداع بود که فرهنگی ناب با بلندترین و منحصر به فردترین مؤلفه‌ها در آن تجلی نمود که حسین علیه‌السلام و اهل حرم و یارانش بنیان‌گذار آن هستند و پرداختن به آن یکی از بارزترین عناصر هویت شیعه در شعر و ادبیات است. در ابیات زیر الصحیح، شهدای کربلا را اهل ابداع می‌داند که برای رضایت خدا و تحقق عدل الهی با ارزشمندترین دارایی خود را تقدیم کردند و حماسه آفریدند:

يُخْطُ الْحَيَاةَ بِبِلَا اِصْبِغِ	فَمَا أَبْصَرْتُ مُبْدِعًا كَالْحُسَيْنِ
يَجِيذُ الْعِنَاقَ بِبِلَا أُذْرِعِ	وَلَا عَاشِقًا كَأَبِي فَاضِلِّ
يَهْشُ إِذَا سَارَ لِلْمَصْرَعِ	وَلَا بَطْلًا مِثْلَمَا عَابِسِ

(صحيح، ۲۰۰۴: ۲۰۶)

«هیچ کسی را هم چون حسین ندیدم که زندگی را بدون انگشت مشق کند. هیچ عاشقی را همانند ابوالفضل ندیدم که بدون بازو، بتواند در آغوش بکشد. هیچ قهرمانی را مثل عابس ندیدم که با شادی به سوی مرگ برود». در عبارت «يُخْطُ الْحَيَاةَ»، شاعر زندگی را به نوشته‌ای مانند کرده است که توسط حضرت نوشته می‌شود. وی در تصویرپردازی نصر محقق در کربلا بسیار موفق می‌باشد و شهادت امام حسین بن علی^۷ را کمال ابداع برای آرایه سبک جامع و شامل از زندگی می‌داند و ناخواسته مخاطب شعر خود را قانع می‌سازد که نصر و پویایی از آن مکتب امام^۷ و یارانش می‌باشد به ویژه این که جان‌نثاری و ولایت‌مداری ابوالفضل را بسیار زیبا و اثرگذار به تصویر می‌کشد و برای ذهن مخاطب خود مریدی با امتیازات ویژه متصور می‌شود. وی هم چنین این گونه از عزم شکوهمند و تاریخ‌ساز حسینی می‌سراید:

فَجَرَيْنِ: فَجَرَ هَوَى وَفَجَرَ نِصَالِ كَابِ	فَهَذَا (الْحُسَيْنِ) يَخِيطُ مِنْ أَخْلَامِهِ وَ
عَلَى حَجَرٍ مِنْ الإِذْلالِ	أَمَامَهُ الأَجْيَالِ... يَلْمَحُ شَوْطَهَا
عَزْمًا يَرْمُمُ كِبْوَةَ الأَجْيَالِ	فَيَجِيشُ فِي دَمِهِ الفِداءُ وَيَضْطَلِي

(همان، ۱۴۲)

«این جا حسین^۷ دو سحرگاه از رویای خود خلق می‌کند: سحرگاه عشق و سحرگاه مبارزه. و در برابر او نسل‌ها هستند که بر سنگ ذلالت ایستاده نمایان هستند. در خون او رستگاری موج می‌زند و با عزمی راسخ در پی ترمیم عقب‌ماندگی‌های نسل‌ها است».

شاعر خیلی دقیق، مصر و توانا، بر امتداد نهضت حسینی و منحصر به فرد بودن حرکت انقلابی و بیدادستیزانه ایشان اصرار می‌ورزد، در ضمن آن را مبارزه صرف نمی‌داند، بلکه نبردی آمیخته با عشق و برای

تحقق حیاتی بهتر برای انسان به شماره‌که سبک زندگی صحیح و هدف‌مند و سرشار از عزت و آزادگی را برای بشریت به ارمان آورده است.

۳-۴. عزاداری امام حسین ۷ و یارانش

عزاداری و سوگواری با توجه به اتفاقات رخ داده در تاریخ تشیع از اهمیت مضاعف و فراگیرتری بین جوامع شیعی بر خوردار است. تاریخ تشیع پس از شهادت امام علی و صلح امام حسن علیهما السلام و به خصوص پس از شهادت امام حسین ۷ روندی دیگر را از سر گذرانند که مهم‌ترین ویژگی آن گوشه‌گیری شیعه در جامعه است. به همین سبب تلاشی مستمر برای تمایز هویت خود از دیگر اکثریت‌ها دنبال کرده، این تلاش تمام وجوه این مذهب را شامل می‌شود و اصرار و پافشاری بر عزاداری بر شهیدان کربلا و بیان مظلومیت و اهداف نهضت حسینی و جنبه اصلاح‌گری و احیاگری، از جمله اقداماتی ابه شمار می‌آید که در این راستا و به هدف احیای حماسه عاشورا انجام گرفته است. شایان یادآوری است که «از مؤثرترین سیاست‌های امام سجاد ۷ برای احیای نهضت عاشورا، برخوردهای عملی حضرت است؛ از این رو در طول دوران امامت خویش، پیوسته سوگوار عاشوراییان بود و در این مصیبت آن قدر گریست که جز "بکائین عالم" قرار گرفت و از هر فرصتی برای زنده نگه داشتن خاطره عاشورا و یاد امام حسین ۷ استفاده می‌کرد. (صالحی، ۱۳۹۵: ۱۰) در واقع ذکر مصیبت سیدالشهدا ۷ و شهادت مظلومانه‌اش اشک هر شنونده‌ای را جاری می‌سازد که امام حضرت خود فرمود: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ»، "من کشته‌اشکم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر آن که اشک در چشمانش می‌آید» (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۱۸) و این اشک‌ها خود بسان خیزشی احیاگر در جهت دوام نهضت حسینی عمل می‌کنند. شاعران نیز به عنوان گروه متعهد به مؤلفه‌های تشیع و محب اهل بیت علیهم السلام، به رثای امام حسین ۷ و یارانش و ذکر رشادت‌ها و جان‌نثاری‌های آنان پرداخته‌اند و در این باره با به‌کارگیری شعر به عنوان رسانه‌ای موفق در استمرار و زنده نگه داشتن نهضت حسینی در وجدان بشریت، نقشی بسیار مؤثر را ایفا کرده‌اند. جاسم الصحیح شاعر عربستانی به عنوان شاعر متعهد شیعه نیز به این موضوع پرداخته است:

هَذَا حَيْنَمَا انْتَقَصَ الْأَقْحَوَانُ	وَسَارَ عَلَى التُّرْبَةِ الْبُلْقَعُ
هَنَا كُنْتَ أَنْتَ تَمْطُ الْجِهَاتِ	وَتَتَمُّو بِأَبْعَادِهَا الْأَرْبَعُ
وَتَحْنُو عَلَى النَّهْرِ.. نَهْرَ الْحَيَاةِ	يَحَاصِرُهُ أَلْفُ مُسْتَنْقَعِ

(صحیح، ۲۰۰۴: ۲۰۹)

«این جا وقتی گل‌های داودی بر خاک بی‌حاصل، شوریدند، تو در همه‌جهت‌های چهارگانه رشد کردی و به رود پیوستی به رود زندگی که هزار مرداب آن را احاطه کرده بود».

در قطعه شعر بالا شاعر تصویری رند و عارفانه و سرشار از بینش از شهادت امام حسین ∇ ترسیم می‌کند که بدیع، دراماتیک و متعالی است. این جا شهادت حسین بن علی ∇ به پرپر شدن گل داودی تشبیه شده، در همین راستا شاعر لفظ ثار (انقلاب) را برای بر خاک افتادن گل به کار می‌برد سپس صفت بلقع (بی‌ثمر، خشک) را به خاک می‌دهد تا مفهوم قیام امام حسین ∇ بر دستگاه فاسد و بیدادگر اموی را در میان تعابیر بگنجانند. در واقع تصویر معنایی شگفت‌انگیز از شهادت حسین ∇ ارایه شده است.

و در ابیاتی دیگر از تراژدی کربلا می‌گوید:

جُمراً عَلَى كَعْبِدِ (الأحساء) يَسْتَعِرُّ	ذُكْرَاكَ أَنْشُوْدَةً سَأَلْتَ حَنَاجِرُهَا
سَيْفًا لَأَصْبَحَ مِنْ أَنْصَارِكَ الشَّجَرُ!	لَوْ أُوتِيَ التَّنْخَلُ أَنْ يَسْتَلَّ قَامَتُهُ
لَجَاءَ يَسْعَى إِلَى أَطْفَالِكَ النَّهْرُ!	أَوْ كَانَ لِلْمَاءِ أَنْ يَجْلُو عَوَاطِفُهُ
تَفْتَقُّ مِنْ جَنِّي نِيرَانَهَا الْعَبْرُ	يَا عَبْرَةً كَلَّمَا إِخْضَرَّتْ مَجَامِرُهَا

(همان، ۳۱۰)

«یاد تو سرود غمگینی هم چون اخگر سوزناک در قلب احساء است. اگر به نخل‌های این جا شمشیری به اندازه قامتشان داده می‌شد از یاران تو می‌گشتند. اگر آب می‌توانست ابراز عاطفه کند بی گمان به سوی طفلان تو می‌رفت. ای اشکی که هم چون شعله‌های آتش سربرمی‌آورد و در بی آن اشک‌های دیگر فرو می‌ریزد».

در ابیات پیشین، کربلا به سروده‌ای تشبیه شده که با به‌کارگیری آرایه‌ی جان‌بخشی، به انسانی تشبیه شده است که از حنجره آن زغال گداخته بر جگر می‌نشیند. الصحیح با استفاده از آرایه‌های بلاغی، تعریف عاطفی عمیقی از پیوند تشیع با کربلا ارایه می‌دهد. در ادامه، بحث مظلومیت و بی‌یاوری و عطش حسین علیه‌السلام و یارانش مطرح می‌شود که کائنات و عوامل طبیعی خواهان یاری رساندن به آن حضرت و در رکاب ایشان جنگیدن هستند.

در ابیات زیر بحث اندوه و عزاداری و گریه بر حسین مطرح می‌شود و شاعر با تعابیری سرشار از عاطفه و اندوهی ریشه‌دار و هدفمند، گریه بر امام حسین ∇ را طهارت‌بخش و جلابخش جان می‌داند و برخوردار از

چشمه‌ی فیض نورانیت و معنویت عاشورا را امتیاز جامع شیعه برمی‌شمرد:

مُخْرَوَقَتَيْنِ بِهَاجِسٍ لَا يَنْدُرُفُ	عَيْنَايَ آخِرُ خَيْمَتَيْنِ بـ (كربلا)
مَاءَتَمِّ دَمْعٍ فِي الْعَزَاءِ يَتَقَفُّ!	تَقَفُّتُ دَمْعِي فِي عَرَكَ فَخَانَتِي..
الْحُزْنَ حَيْثُ الْحُزْنُ لَا يَتَقَلَّسُ!	لَا حُزْنَ فِي حُزْنٍ يَفْلَسُ نَفْسَهُ..
بِالدَّمْعِ يَضْفُلُنَا الْبُكَاءُ وَيُرْهِفُ	نَحْتَاجُ أَنْ نَبْكِيكَ أَكْثَرَ، طَالَمَا
مَنْ لَا يَطَهِّرُهُ الْأَسَى وَيَنْظِفُ!	هَيْهَاتَ يَرْضَى عَنْ طَهَارَةِ نَفْسِهِ

(همان، ۳۱۴)

«چشم‌هایم آخرین خیمه‌های کربلاست که سوخته‌اند. خواستم در عزای تو بر اشک چیره شوم، اما او به من خیانت کرد و فروریخت؛ چرا که اندوهی که فلسفه‌بافی داشته باشد اندوه واقعی نیست. ما باید بیش از این‌ها بر تو بگرییم تا گریه، ما را صیقل دهد. هیئات چگونه کسی که با غم و اندوه پاک نشده از پاکی خود مطمئن و راضی است؟».

الصحيح در قطعه بالا با یک سامانه‌زبانی موفق و همنشینی صحیح و رسانای واژگانی توانسته به تصویرپردازی اندوه اندیشه‌ساز شیعه برای سید الشهدا^۷ پردازد و مسأله عزاداری بر مصیبت ایشان را که از مهمترین امتیازات جامعه شیعه به شمار می‌رود، جریان‌ساز و احیاگر و نجات‌بخش معرفی می‌کند. در شعر مورد تحلیل، شاعر هوشمندانه تمام اندیشه‌ریشه‌دار نهفته در عزاداری بر امام حسین^۷ را در تعابیر بلند ادبی گنجانده است و حزن بر سالار شهیدان را دارای ابعاد فلسفی و انسان‌ساز می‌داند. شاعر به زیبایی دوچشم خود را به خیمه‌های سوخته در کربلا تشبیه کرده که دیگر یارای اشک ریختن ندارند و تاکید می‌کند مصیبت امام آن قدر عظیم می‌باشد که تا دنیا باقی است باید بر آن گریست.

۳-۵. قیام و اصلاح‌گری

عشق، فراتر از حساب‌گری‌های معمول است. کاری که امام حسین^۷ کرد در عقل حسابگر معاش‌اندیش نمی‌گنجد. کار او برای عالمان و عاقلان و سیاست‌مداران آن زمان نیز قابل درک نبود. بزرگانی چون محمدابن‌حنیفه و عبدالله‌بن‌جعفر و عبدالله‌بن‌عباس و دیگران با تحلیل و بررسی حوادث سیاسی و اجتماعی و در نظر گرفتن قدرت خشن حاکم و بی‌ارادگی و ناتوانی مردم کوفه، آن حضرت را از رفتن به طرف کوفه به شدت منع می‌کردند. در ظاهر پیشنهاد آن‌ها عاقلانه و مبتنی بر تحلیل بود، اما آنان از عشق و سوزی که جان امام حسین^۷ را به آتش کشیده بود و می‌سوزاند، بی‌خبر بودند (قیصری، ۱۳۹۱: ۱۰). حسین باید قیام می‌کرد تا اسلام نبوی مغشوش به ریاکاری و بدعت‌های دستگاه فاسد اموی نگردد و سیره علوی با تبلیغات سوء بنی‌امیه از میان نرود. تا آن جا که خود حضرت چنین می‌فرماید: «وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسَيِّرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، "به درستی که من بیهوده، گردنکش، ستمگر و ظالم حرکت نکردم، بلکه برای اصلاح در امت جدم محمد صلی الله علیه و آله حرکت کردم و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم محمد صلی الله علیه و آله و پدرم علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام رفتار کنم» (بحار الانوار، بی تا: ۴۴ / ۳۲۹).

در شعر زیر از جاسم‌الصحيح نوعی همانندسازی حسینی مشاهده می‌شود این همانندسازی عبارت است « از برقراری رابطه عاطفی با حماسه حسینی که تغییر در افکار، گفتار و رفتار افراد را در سطوح فردی و اجتماعی

به دنبال خواهد داشت. در اثر این همانندسازی، فرد خود را یکی از اعضای کاروان کربلا به شمار می‌آورد و وابستگی تام و تمامی به آن احساس می‌کند و به استناد شعار "کل یوما عاشورا و کل ارض کربلا" فرهنگ عاشورا را در همهٔ زمان‌ها، مکان‌ها، نسل‌ها و عصرها، جاری و ساری می‌داند؛ بنابراین فرد، موفقیت‌های فرهنگ کربلایی را، موفقیت‌های خویش می‌داند و تلاش می‌کند رفتار و گفتارش، زینت‌بخش این راه و رسم آسمانی باشد. همانندسازی حسینی را می‌توان در کلامی کوتاه و گویا از سیدالشهدا به وضوح مشاهده نمود: "و لکم فی حیاتی ومماتی اسوة": "من در حیات و ممات سرمشق و الگوی شما هستم" (کشاورزی، ۱۳۹۲: ۹) همان‌طور که گفته شد شاعر این همانندسازی را مطرح کرده و بر آن نیز اصرار می‌ورزد و حسین بن علی ^۷ را اسوۀ بی‌بدیل بشریت می‌داند و چنین می‌سراید:

يا أَوْلَ الدِّمِّ فِي حِكَايَةِ ثَوْرَةٍ	تَطْوَىٰ عَلَيْكَ فُصُولَهَا، وَتُغْلَفُ
ما زال بالثورة الحمراء ينبئنا	أَنَّ الطَّرِيقَ إِلَىٰ غِزْلانِنَا نَمْرُ
وأنا حينما نَسْتَلُّ مَدْمَعَنَا	سَيْفًا سَيُضْحِكُ مِنَّا الظَّالِمُ الْأَشْرُ
وسوف يخذعنا الليل البهيم إذا	رُحْنَا بِكوكبِهِ البَرَّاقُ نَبْهَرُ

(همان، ۳۱۸)

«ای حسین! تو اولین خون ریخته شده در داستان انقلابی هستی که تمام فصل‌های آن داستان در مورد تو است. این داستان همواره ما را از انقلابی سرخ خبر می‌دهد و هنگامی که ما از چشم‌های اشکبار خود شمشیری بیرون بکشیم، ظالم سرسخت به ما خواهد خندید و اگر به ستارهٔ درخشان شب خیره بمانیم ما را فریب خواهد داد».

شاعر در یک مفهوم‌پردازی عمیق زبانی با به‌کارگیری عناصر بلاغی توانسته به صورت مختصر و دقیق تاریخ شیعه را برای مخاطب خود متصور شود. وی با عبارت «نستل مدمعنا سيفا»، چشم‌ها را به غلاف شمشیر تشبیه کرده که اشک‌ها هم چون شمشیر از آن خارج شده و آینده‌ای سبز را که مستلزم بسترسازی و نیروسازی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، رقم می‌زنند. الصحیح همگانی شدن گفتمان شیعه را نیازمند مبارزه و قیام علیه طاغوت و پایداری در برابر استبداد و عدم سازش با منکر می‌داند.

فرهنگ و سیره امام حسین ^۷ و حماسه حسینی از پتانسیل‌هایی فراوان در زمینه‌های مختلف برخوردار است که جاسم الصحیح این پتانسیل‌ها را در شعر خود به تصویر می‌کشد و آن‌ها را به عنوان یک زمینهٔ تربیتی مطلوب برای انسان‌سازی و جریان‌سازی ظلم‌ستیز می‌داند و حسین علیه‌السلام را منبع نور به شمار می‌آورد:

يا فِكْرَةَ النُّعُورِ فِي أَجْلَىٰ مُظَاهِرَةٍ	بَيْضَاءَ .. يَهْتَفُ فِيهَا بِاسْمِكَ الظُّفْرُ
تَجْتَرِكُ الْأَرْضُ جَوْعَىٰ كَلَّمَا نَضَجَتْ	ذَكَرَاكَ بِالْوَعَىٰ حَتَّىٰ تَسْمُنَ الْفِكْرُ

عَزَمُ السَّمَاءِ .. وَمِنْ طَلْقَاتِهَا الْقَدْرُ
(همان، ۳۲۱)

ذِكْرَاكَ فُوهُةُ الثُّورَاتِ ، صَوَّبَهَا

«ای فکر نورانی! در جلی‌ترین نمودش... پیروزی نام تو را فریاد می‌زند. هرآینه که یاد تو تکرار می‌شود تا فکرها جان بگیرند. زمین گرسنه تو را می‌خواهد. یاد تو آغازگر انقلاب‌ها است و قضا و قدر از آن سرچشمه می‌گیرد».

در عبارت «یهتف الظفر»، شاعر ظفر را به انسانی مانند کرده که نام امام را فریاد می‌زند. وی امام حسین^۷ را نور تمام می‌داند که حرکت ضد طاغوتی ایشان در روز عاشورا همواره اندیشه‌های ناب را سیراب کرده و جوامع را بصیرت بخشیده و الهام‌بخش قیام‌های اصلاح‌گر بوده است. شاعر در تبیین اندیشه شعر خود و رسانش آن به مخاطب موفق عمل کرده و توانسته است این مسئله را که در میان نهضت‌های احیاگرانه، نهضت امام حسین^۷ به دلیل ریشه‌دار بودن مبانی و مؤلفه‌ها، تأثیری به مراتب افزون‌تر در جوامع بشری دارد و از ظرفیت اثرگذار مضاعفی در جوامع دینی برخوردار می‌باشد، به عنوان الگویی بسیار کار آمد برای احیای تفکرات دینی و اصلاح جوامع بشری به خوبی پردازش کند. ادبیات و شعر در تثبیت اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها بسیار مؤثر می‌باشد و بسان رسانه عمل می‌کند تا گفتمان مورد نظر را اولویت جامعه قرار دهد از همین رو، شاعران متعهد شیعی از این ظرفیت برای ترسیخ هویت شیعه و گفتمان مسالمت‌آمیز و ظلم‌ستیز آن، استفاده نموده اند و مشاهده می‌شود که الصحيح با وجود این که در عربستان، کشوری با قوانین سرشار از حقد و ضد شیعه است، باز به این مهم پمی پردازد و رسالت خود را به عنوان یک شیعه به وسیله شعر به انجام می‌رساند. ترکیب‌های زبانی شاعر در ابیات مورد تحلیل، همگی دلالت بر زایش و استمرار دارد و هر لفظ آن حامل معنایی شکوهمند از اندیشه امام حسین^۷ و هدایت‌گری ایشان است. شاعر حضرت را "یا فِكْرَةَ النُّورِ" مورد خطاب قرار می‌دهد تا دلالت رهایی از جهالت و رهنمود بودن خود را بر دوش الفاظ بگذارد سپس در بیتی دیگر یاد امام حسین^۷ را به عنوان غنی‌ساز اندیشه معرفی می‌کند و این‌گونه بحث معرفت مطرح می‌شود و شناخت اهل بیت: و گفتمان‌شان اهمیت پیدا می‌کند تا انسان به آگاهی دست یابد و به اصلاح برآید. با عبارت "ذِكْرَاكَ فُوهُةُ الثُّورَاتِ" می‌رسیم که تمام پیام شعر در آن نمود می‌یابد، پیامی مبنی بر این که شناخت عمیق امام حسین^۷ و هدف نهضت عاشورا انسان را وادار به خیزش در برابر ظلم و نابرابری و منکر می‌کند.

در ابیات زیر نیز شاعر به حرکت‌سازی نهضت حسین اشاره می‌کند:

وَذِكْرَاكَ فِي نُظْفِ الثَّائِرِينَ تَهْرُؤُ الْفُحُولَةِ فِي الْمَضْجَعِ
تُطَلُّ عَلَيَّ خَاطِرِي كَرَبْلَاءٍ فَتَخْتَصِرُ الْكَوْنُ فِي مَوْضِعِ

(همان، ۳۱۹)

«نطفه‌های انقلابیان با یاد تو بسته شده که قهرمانی را در گهواره‌ها به وجود می‌آورد. همواره کربلا در اندیشه من نقش می‌بندد و تمام هستی فقط در آن جا خلاصه می‌شود».

مؤلفه‌های قیام سیدالشهدا که خود شالوده‌ای از عناصر مترقی یک قیام اسلامی و دارای پیوندی عمیق و نشأت گرفته از شریعت است، به شدت راهبردی و راهگشا برای حرکت‌ها و خیزش‌های احیاگرانه می‌باشند، به همین جهت شاعران شیعه با پرداختن به موضوع نهضت امام حسین^۷ و الهام‌بخش بودن آن، سعی دارند به صورت غیر مستقیم جنبشی فراگیر و همگانی با مؤلفه‌های اصیل اسلامی علیه طاغوتیان روزگار خود به راه اندازند، به ویژه به هنگام خوانش شعر جاسم الصحيح که خود در جامعه ای با حاکمیت شبه اموی پرورش یافته و کامل و دقیق نیاز به برپایی این نوع خیزش و پویایی نهضت حسین علیه‌السلام را درک نموده است، می‌توان به صورت بسیار ملموس صدق عاطفه موجود در آن را دریافت نمود و با فضای شورانگیز حاکم بر آن همراه شد. در دو بیت زیر شاعر در مفهوم پردازی عمیق و با پیشینه برخوردار از اندیشمندی و تعقل در قیام عاشورا، امام حسین^۷ را وطنی می‌داند که پناه تمام بشریت و راهی برای دستیابی به سعادت است. منظور از مساکین در بیت اول انسان‌های پرورش نیافته است که با راهیابی به فلسفه قیام امام حسین^۷ و درک فرهنگ حسینی بالیده اند:

هَلْ كُنْتَ فِي (الطَّفِّ) إِلَّا شَاعراً وَطَناً / كَلِّ الْمَسَاكِينَ فِي أَحْضَانِهِ كَبُرُوا!
أَصْغَتْ إِلَيْكَ طَيُورُ الْأَرْضِ جَائِعَةً لِلشَّعْرِ فانتَثَرَتْ مِنْ حَوْلِهَا الصُّورُ

(همان، ۳۲۲)

«ای حسین! تو در کربلا شاعرو وطنی بودی که همه مساکین در آغوش آن بالیدند. تمام پرندگان گرسنه زمین به شعر تو گوش فرا دادند و تصاویر زیادی در اطراف آن‌ها ایجاد شد».

شاعر در عبارت «اصغت اليك طيور الارض جائعة»، با کاربرد استعاره مکنیه، پرندگان را تشبیه به انسان‌هایی کرده است که به سخنان امام^۷، گوش فرا می‌دهند. پرندگان مشبه هستند، مشبه‌به حذف شده و فعل «اصغت» به عنوان یکی از لوازم مشبه‌به، آورده شده است. وی با تصویرپردازی ادبی به عظمت حسین بن علی علیهما السلام اشاره می‌کند، تصویرپردازی در دو بیت بالا بسیار بلیغ و گویا است و به طرز هوشمندانه پردازش شده که با یک تعبیر ساده توسط ترکیب‌های زبانی، گفتمان مورد نظر شاعر را منتقل کرده است. او محورهای جانشینی و همنشینی واژگانی را به گونه‌ای در کنار هم چیده که تصویری پویا و فراتر از زبان، از نهضت حسین علیه‌السلام ارایه می‌دهد. حسین وطن است و این تعبیر به حدی دلنشین و عمیق است که شعر و تراکیب زبانی را از مرحله معنای اشاره‌وار به معانی چند وجهی و عمیق شخصیت امام حسین^۷ در قالب وطن و دلالت بر هر آن چه متعلق به انسان و آزادگی اوشمرده می‌شود، رسانده است.

۳-۶. همانندسازی شیعه در مبارزه برای عقیده

همانندسازی، اثرات مثبت بر عملکرد در سطوح مختلف فردی، گروهی و سازمانی دارد و نظریه مشترک در زمینه همانندسازی این است که پدیده یاد شده همیشه منجر به نتایجی مفید می‌گردد. با توجه به آن چه گذشت، موضوع همانندسازی در فرهنگ شیعه، به صورت همانندسازی با معصومین: و اصحابشان نمود دارد و ائمه شیعه: و یارانشان منبع یا هدف همانندسازی هستند (کشاورزی، ۱۳۹۲: ۸). این مسأله در شعر زیر از جاسم الصحیح به عنوان یک شاعر شیعی نمود یافته است:

إِرْتُنَا الصَّخْمُ ثَوْرَةٌ مِنْ أَبِي ذِر	تَمَشَّتْ فِي نُظْفَةِ الْأَجْيَالِ
أُرْضَعْنَا ثَدْيِ الْمَنَافِي، فَمَا جَاعَتْ	خُطَانَا فِي رَحْلَةِ الْأَمَالِ..
ثَوْرَةٌ يَا عَلِي شَاخَتْ عَلَى النَّفْسِي	و مَا زَالَ رَحْمُهَا فِي اتِّصَالِ
أَنْتَ أَوْلَدْتَهَا أَزْجَالَ فَعَاشَتْ	بَعْدَ عَيْنِيكَ فِي عُيُونِ الرِّجَالِ

(همان، ۱۲۶)

«ارث عظیمی که از ابوذر داریم انقلابی است که در نطفه‌های نسل‌های ما ریشه دوانده است. انقلابی که نسل برخاسته ما را با شیر تبعید سیراب کرده به گونه‌ای که در راه رسیدن به آرزوها احساس گرسنگی نداریم. ای علی! این انقلاب، انقلابی است که در تبعید پیر شده، اما هم چنان به شما و پیوند خورده است. تو آن را متولد کردی و بعد از تو در چشم‌های مردان زنده مانده است.»

الصحیح در قطعه فوق همانندسازی و الگوپذیری را به عنوان مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های هویت شیعه مطرح می‌کند. براساس این الگو شیعه همواره رهبرپذیر و الگوپذیر بوده و تاریخ ریشه‌دار آن از نمونه‌های فراوان برای همانندسازی نسل‌ها غنی و پر بار است. سپس با تعابیری حماسی و سرشار از معنویت دینی و روحیه مبارزه و پایداری، به انقلابی بودن نسل به نسل شیعه اشاره می‌کند که آن را از امیر المؤمنین: و اصحاب ایشان به ارث برده است.

به دنبال آن در ابیات زیر شکلی از همانندسازی فرهنگ شیعه را در نمونه‌ای معاصروشناخته شده از پیکار جویان شیعی متجلی می‌سازد:

أَرَاكَ فَأَسْمُو فِي قِدَاسَةِ مَا أَرَى	كَأَنَّ اللَّيَالِي جَدَّدَتْ فِيكَ (حیدرآ)
كَأَنَّ اللَّيَالِي فِي صَدْيِ عُقُوفَانِهَا	أَزَادَتْ لِذَلِكَ الْوِثْرُ أَنْ يَتَكَرَّرَا
هَنَّاكَ سُرَاةَ اللَّيْلِ شَدُّوا رِكَابَهُمْ	بِقَافِلَةِ الْأَحْرَارِ وَاسْتَأْنَفُوا السُّرَى
وَأَهْدَاكَ (صَبِيئُ) الْمَعْظَمُ رُكْبَةً	إِلْهِيَةَ الْمَسْرَى، وَزِنْدًا مُظَفَّرَا

(همان، ۵۱۳)

«تو را می‌بینم و به خاطر قداست آن چه می‌بینم، برمی‌خیزم گویی که شب‌ها دوباره حیدر را احیا کرده است. گویی شب‌ها می‌خواهند که آن خون خواهی دوباره تکرار شود. شب‌روها در قافله‌های آزادگان، مرکب‌هایشان را آماده کرده‌اند و شب‌روی آغاز شده است. (صنین) بزرگ به تو زانوی الهی و بازویی نیرومند داده است.»

شاعر در عبارت ارادت اللیالی، با جان‌بخشی به لیالی، و استفاده از استعارهٔ مکنیه، شب‌ها را به انسانی تشبیه کرده است که به دنبال خون خواهی هستند. به این ترتیب، شاعر این رهبر و مقاومت او را در برابر ظلم و فساد و تجاوز با امیرالمؤمنین^۷، همانندسازی می‌کند. باید گفت که تاریخ شیعه لبریز از مردان دین‌دار، مبارز و مصلح بوده و همانندسازی در آن بسیار مطلوب و موفق است.

۳-۷. مظلومیت شیعه

<p>مَهْمَا تَظَاعَفَ ظُلْمُ الرِّجِّ لِلَّهِبِ مِنَ الْقُبَابِ كَمَا عَيْنٍ بِلَا هَدَبِ تَحْشُو عَلَى الدَّهْرِ كُثْبَانَا مِنَ الْعَتَبِ</p> <p>(صحیح، ۲۰۱۲: ۶۹)</p>	<p>مَشْكَاءُ جَعْفَرٍ لَنْ تَحْبُو فِتْيَانُهَا وَ حُفْرَةٌ فِي الْبَقِيعِ الطُّهْرِ عَارِيَةٌ تَكَادُ تُزْتَبُّهَا مِنْ فَرْطِ لَوْعَتِهَا</p>
--	---

«هر چقدر که طوفان‌های ظلم و جور شدید باشند، نور جعفر خاموش نخواهد شد. حفره‌هایی در بقیع پاک، هم چون چشم‌های بدون مژه باقی مانده است که خاک آن‌ها از شدت اندوه و سوز خروارها خروار سرزنش را به روزگار روانه می‌کنند.»

شاعر در ابیات بالا به بقیع و بدون ضریح بودن قبور ائمهٔ اطهار: در آن جا اشاره می‌کند که از ظلم و حقد آل سعود و وهابیت به شیعه‌ها همواره مورد ظلم و اجحاف قرار می‌گیرد ولی با این همه هم چنان جاویدان و مهرشان در قلوب شیعیان جاری است. شاعر در مصرع اول، با بهره‌گیری از استعارهٔ مکنیه «جعفر» را به چراغی تشبیه کرده است که علی‌رغم وزش طوفان‌های ظلم، هرگز خاموش نخواهد شد. به عبارت دیگر شاعر با کاربست ترکیب اضافی «مَشْكَاءُ جَعْفَرٍ»، جعفر را مشبه و «مَشْكَاءُ» را مشبه‌به قرار داده و جعفر را به چراغی تشبیه کرده که از لوازم آن «خاموش نشدن»، است.

۳-۸. مهدویت و انتظار

مذهب تشیع ایده‌آل‌ترین مدل حکومت بشری را حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند. همواره شیعه، موضوع مهدویت را با هویت دینی-مذهبی خود یکی دانسته، این آموزه بن‌مایهٔ اصلی نظام‌نامه تنوریک شیعه شمرده می‌شود و به نوعی با هویت تشیع گره خورده است؛ لذا شاعران شیعه به این

موضوع توجهی خاص داشته و تا آن جاکه در توانشان بوده است به واکاوی آن پرداخته‌اند. در ابیات زیر ملاحظه می‌کنیم که جاسم‌الصحیح نیز در این باره چنین می‌سراید:

إِنْتَظِرْ مَهْمَا دَعَوْنَاكَ: الْبِدَار!	نَحْنُ فِي الْغَيْبِ زَرَعْنَاكَ انْتِظَارًا
و اشْتَوَى الزَّرْعُ وَ رَفَّتْ غَابَةٌ	مِنْ أَسَاطِيرٍ قَطَفْنَاهَا ثِمَارًا
و انْهَزْمْنَا فِي أَمَانِنَا فِلم	نَتَعَلَّمُ كَيْفَ نَجْنِيكَ انْتِصَارًا
لَمْ نَزَلْ نَسْأَلُ: مَنْ مِمَّا هُنَا	نَحْنُ أَمْ أَنْتِ، وَمَنْ مِمَّا تَوَارَى؟
و اشْتَعَرْنَا الشُّوقَ مِنْ أَجْدَادِنَا	و طَبَّاعُ الشُّوقِ تَأْتِي أَنْ يَعَارَا!

(همان، ۷۴)

«هر بار گفتیم: تعجیل کن! از غیب منتظرت بودیم. محصول خوب شد و جنگلی از اسطوره‌ها پدید آمد که میوه‌های آن را چیدیم. در رسیدن به آرزوها شکست خوردیم و نفهمیدیم چگونه به پیروزی تو- برسیم. همواره از خود می‌پرسیم: چه کدام یک از ما این جااست؟ ما یا تو؟ چه کسی از نظرها پنهان شده است؟ ما از اجدادمان این عشق و شوق را به ارث برده‌ایم و طبیعت عشق این است که سرزنش را نادیده بگیرد و نپذیرد».

شاعر با تشبیه اسطوره‌ها به میوه‌هایی که از درختان پربار چیده می‌شود با الفاظی سرشار از یقین به مسئله منجی از انتظار امام و شوق ظهورش سخن می‌گوید و اذعان دارد که امام ۷ حاضر است و این ما هستیم که در محضر ایشان، غایب هستیم و حضور در محضر ایشان مستلزم اقدامات نصرت‌بخش از سوی شیعیان منتظر است. با توجه به پرداختن شاعر به مسئله مهدویت نقش مهم شعر شیعی به عنوان یک رسانه کارآمد برای تبلیغ گفتمان علوی و نشر آن و هم چنین آگاهی‌بخشی غیر مستقیم برای شناخت تعالیم مذهبی، به طور کامل مشخص است.

۹-۳. برپایی دولت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

بحث مهدویت از کانونی‌ترین گزاره‌های اعتقادی شیعه است که نصوص و متون دینی ما هم بر این امر صحه می‌گذارد. تشیع در تاریخ پر فراز و نشیب خود همیشه منتظر بوده تا امام عصر عج الله تعالی فرجه الشریف ظهور نماید و دولت کریمه‌اش را بر پا دارد؛ لذا اعتقاد به آموزه مهدویت، استراتژی شیعه در طول تاریخ بوده است. در ابیات زیر جاسم‌الصحیح «به ایده فراگیر و همگانی مهدویت که هم زمان با پیدایش تمدن در عرصه زندگی اجتماعی، صعود به مدینه فاضله و فراهم نمودن زمینه برای حکومت عدل جهانی، ذهن انسان‌ها را به خود مشغول کرده و به تدریج این ایده به یک آرمان تبدیل گردیده است» (صمدی، ۱۳۸۶: ۳۹). اشاره می‌کند:

يُولَدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ أَعْمَاقِنَا ثم يمتدُّ على الدنيا منارا

زَوْجُوا أَمَالِكُمْ أَعْمَالِكُمْ
و إْفْهَمُوا المَهْدِيَّ.. فَالْحَبُّ إِذَا
رَبْمَا يَشْرِقُ مِنْ أَعْمَاقِكُمْ
تُنْجِبُوا مِنْ رَحِمِ الضَّعْفِ انْتِصَارَا
أَذْرَكَ الفُّهُمَ تَجَلَّى وَأَنَارَا
فَارشْ مَلَّ هُنَاكَ الْاِنْتِظَارَا
(صحیح، ۲۰۱۲: ۷۵)

«مهدی از اعماق ما متولد شده است و نور را به دنیا ارزانی می‌کند. کارها را در راستای آرزوها قرار دهید تا از رحم ضعف و سستی، پیروزی را به دنیا آورید. مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را بفهمد؛ چرا که عشق زمانی جلی و پرنور می‌شود که با فهم همراه شود. چه بسا از اعماق شما سوارکاری که از انتظار خسته شده، پرتو افشانی کند».

شاعر در عبارت «تُنْجِبُوا مِنْ رَحِمِ الضَّعْفِ انْتِصَارَا»، با استفاده از استعارهٔ مکنیه، ضعف و سستی را به زنی تشبیه کرده است که از رحم او پیروزی به دنیا خواهد آمد. به عبارت دیگر شاعر برپایی دولت پویا و فعال حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را مرهون فراهم نمودن زمینهٔ ظهور آن حضرت به دست جهانیان و به ویژه شیعیان می‌داند و به فهم عمیق وجود آن حضرت دعوت می‌کند تا بر اساس شناخت عمیق و حب حقیقی به وجود مقدس ایشان با پیروی از الگوی رفتاری و عملی صحیح فردی و اجتماعی اسلامی علوی در برپایی حکومت عدل جهانی که با رهبری امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف تحقق می‌یابد، اثرگذار باشیم؛ چرا که زمینه‌سازی و مهیا کردن جامعهٔ متناسب با شرایط فرهنگ دینی اصیل و توحیدی جهت ظهور منجی بشریت، نیازمند توجه به نقش اراده انسان و نیروسازی است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت تمامی تحولات اجتماعی به شمار می‌آید و جاسم الصحیح به عنوان یک فرد با هویت شیعی از شعر خود به عنوان یک رسانهٔ متعدد جهت توجه به تربیت انسان برای تعجیل در ظهور منجی به خوبی استفاده کرده است و در واقع توانسته با تعبیری هم چون «ثم یمتد علی الدنیا منارا» و یا «ربما یشرق من أعماقکم» تعریفی عمیق و جامع را از وجود آن حضرت و حکومت عدل جهانی ایشان ارائه دهد که آرامش و امنیت و صلح حاکم بر آن حکومت در لفظ "مناره" موج می‌زند.

نتیجه گیری

- ۱- باخوانش هر شعری و پی بردن به دلالت‌های معنایی نهفته در آن می‌توان به این مسئله پی برد که این شعر حامل چه گفتمانی است و اندیشه اصلی آن از کجا مایه می‌گیرد و قرار است چه خدمتی به ایدئولوژی خالق خود کند پس شعر در ترسیخ و تثبیت هویت گفتمان متضمن خود، نقشی بسیار مهم را ایفا می‌کند؛
- ۲- شعر جاسم الصحيح بی پروا نیست و کم تر به مسایل حساسیت برانگیز در آن پرداخته شده است، ولی به عنوان شعر شیعی در پردازش عناصر هویت بخش شیعه بسیار موفق عمل کرده و با تولید معانی در قالب‌های زبانی ابداعی و عمیق به خوبی شاخصه‌های مذهب تشیع را مطرح کرده است؛
- ۳- بحث ولایت‌مداری و پذیرش ولی از جانب شیعیان که یکی از اصلی‌ترین ارکان هویت شیعه است در شعر شاعر تحت عنوان یک راهکار ارزشمند برای تعالی یافتن و پیمودن راه رشد و کمال است و تحمل سختی‌های راه ولایت‌مداری را گوارا می‌داند و نهایت آن را ختم به خیر عظیم، یعنی رضایت حق و اهل بیت: به شمار می‌آورد؛
- ۴- الصحيح نهضت و قیام امام حسین^۷ را با تصویرپردازی سرشار از دلالت‌های الهام‌بخش و اندیشه‌های تکامل یافته و روشنگر در شعر خود مطرح می‌کند و نهضت ایشان را هویت بخش شیعیان و حرکت‌زا برای عموم جهانیان می‌داند، عزاداری بر شهادت حضرت را استمرار دفاع از عقیده و گفتمان علوی معرفی می‌کند. تراکیب شعری در بخش نهضت امام حسین^۷ و عزاداری بر شهادت ایشان، به شکل کامل بدیع و هوشمندانه دلالت‌های اشاره‌وار ادبی را به منطق عظیم حسینی منتقل می‌نماید و عملیات رسانش محتوا توسط تراکیب موفق بوده و توانسته است پویایی نهضت حسینی را به تصویر کشد؛
- ۵- مهدویت به عنوان بنیادی‌ترین عنصر هویتی شیعه در شعر شاعر مطرح شده و الفاظ ادبی حامل بحث مهدویت، الفاظی بسیار امیدبخش است و عاطفه و یقین شاعر به پیام شعر خود را متجلی می‌سازد؛
- ۶- شاعر با شگردهای زبانی بلیغ و تولید دلالت‌های تازه برای الفاظ، رفتار هدفمند و منطقی شیعیان در پذیرش ولایت را در شعر خود گنجانده و بر همانندسازی شیعیان به عنوان هویت مذهبی آنان اصرار ورزیده است؛
- ۷- در بحث ساختارهای زبانی و تصویر شعر و سبک جاسم الصحيح باید گفت که شاعر تجربه شعری خود را با واقعیت موجود در جامعه شیعی آمیخته و در قالب زبان و با سبکی ساده و به دور از پیچیدگی، ولی در عین حال سطح بالا ریخته است. البته باید گفت که شعر شاعر ویژگی انقلابی بودن را در بالاترین سطح دارد ولی از دردمندی که از بارزترین ویژگی‌های آن شمرده می‌شود تا حدودی به دور مانده است. می‌توان گفت که حس دردمندی را کم تر از حس انقلابی و خیزش به مخاطب القا می‌کند.

منابع و مأخذ

- ۱- آذرشب محمدعلی وعلی صیادانی (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل برخی عقاید شیعه در همزیه ابن هانی اندلسی، نشریه ادبیات شیعه، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۰-۷۰.
- ۲- ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد (۱۴۰۴ق)، امالی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.
- ۳- امین، احمد (۱۹۷۸)، ضحی الاسلام، قاهره: مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- ۴- بدر، ندا العتیبی (۲۰۱۸)، المعنى الابداعی للشعر عند جاسم الصحیح، مجلة جامعة الملك عبدالعزيز، الآداب و العلوم الانسانية، المجلد ۲۷، العدد ۴، صص ۱۲۱-۱۵۶.
- ۵- حمادی، عبدالعزيز ورسول بلاوی (۲۰۲۰)، القرآن الکریم فی شعر جاسم الصحیح، جامعة السلطان قابوس، مجلة الآداب و العلوم الاجتماعية، المجلد ۱۱، العدد ۲، صص ۴۹-۵۵.
- ۶- رضوی فقیه، سعید (۱۴۰۱ق)، عاشورا و هویت شیعی، www.irna.ir/news
- ۷- صحیح، جاسم (۲۰۱۲)، دیوان و أنا له القصید، مرکز نیا لرعاية الابداع.
- ۸- _____، (۲۰۰۴)، دیوان أعشاش الملائكة، تقديم سماحة العلامة الشيخ الدكتور احمد الوائلي، بيروت: دار الهادی للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۹- صدوق، محمد علی بن الحسین (۱۳۶۲)، الامالی، تهران: کتابخانه اسلامیه.
- ۱۰- صالحی، پیمان و مهدی اکبرنژاد، (۱۳۹۵)، آداب واهداف سوگواری معصومین بر سیدالشهدا، ادب بوستان، سال اول، شماره ۲، صص ۷-۳۶.
- ۱۱- صمدی، معصومه (۱۳۸۵)، مهدودیت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی، مجله مصباح، شماره ۶۶، صص ۴۷-۷۴.
- ۱۲- ضیاءآبادی، سید محمد رضا (۱۳۸۱)، گوهر خود را هویدا کن، تهران: معاونت فرهنگی.
- ۱۳- العبد اللطیف، یحی عبدالهادی، (۲۰۱۱)، جاسم الصحیح بین الشاعر والأسطورة "دراسة لشعر الصحیح المناسباتی"، بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- ۱۴- قرشی، سها صاحب وعبود جودی الحلی، - (۲۰۱۵)، التناص الیدینی فی شعر جاسم الصحیح: تناص الاحداث و الشخصیات نموذجاً، Al-Bahith Journal، المجلد ۱۵، العدد ۸، صص ۷-۲۷.
- ۱۵- قیصری، حشمت (۱۳۹۱)، بررسی عرفان عاشورایی در اندیشه مولانا و عمان سامانی، فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۰۷-۱۳۶.
- ۱۶- کشاورزی، علی حسین و محمد رضا یکتایی (۱۳۹۲)، همانندسازی حسینی و همانندسازی سازمانی، مجله چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۶، صص ۱۶۱-۱۷۸.

- ۱۷- کیلانی، نجیب (۱۳۷۶)، اسلام و مکاتب ادبی، ترجمه نوید کاوند، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۸- مجلسی، محمداقصر بن محمدتقی (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار:، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۹- محمد حسین، علی حسین (۲۰۱۸)، التناص السياسي فی شعر جاسم الصحيح، جامعة كربلاء، كلية التربية للعلوم الانسانية، المجلد ۵، العدد ۱۷، ص ۱۲۱-۱۴۰.
- ۲۰- میرقادری، سیدفضل الله ومهناز دهقان (۱۳۹۲)، جایگاه دمستانی وقصيدة ملحمة الطف در شعر عاشورا، مجله ادبیات شیعه، شماره ۱، صص ۱۰۰-۱۲۰.